



# نگاهی به بخش سوم رؤیت هلال

رضا مختاری

میراث فقهی طرحی است که طی آن چهل موضوع مهم، عام‌البلوی و امروزی فقهی به شکلی نو و سبکی ویژه، مورد بحث قرار می‌گیرد و آثار فقهی مربوط به آن موضوعات از صدر اسلام تاکنون، شناسایی، دسته‌بندی، تصحیح یا معرفی، و منتشر می‌شود. میراث فقهی کمک فراوانی به فقه پژوهان برای استنباط می‌کند و تقریباً نیمی از زحمت استنباط را از دوش آنان برمی‌دارد.

نخستین موضوع میراث فقهی، غنا و موسیقی، در سه مجلد و در حدود سه هزار صفحه، در سال‌های ۷۷-۱۳۷۶ منتشر شده است.

دومین موضوع میراث فقهی به رؤیت هلال اختصاص یافته که در پنج مجلد و در حدود چهار هزار صفحه، مراحل نشر را می‌گذراند. نشر میراث فقهی بدین شیوه فوایدی دارد که اهم آنها به اجمال عبارت است از:

- الف. صرفه جویی در فرصت فاضلان و فقه پژوهان؛
- ب. جلوگیری از کارهای کم‌مایه و تکراری و بدون استناد به منابع پیشین؛
- ج. روشن شدن سیر تاریخی مسئله، و علل پرداختن فقیهان به آن؛
- د. استقصای ادله مسئله و روایات آن و تبویب آنها به شکلی نو؛
- ه. مشخص شدن تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فقیهان بر یکدیگر و از یکدیگر؛

و. احیای میراث عالمان فروغ گستر شیعه و نمایان شدن حجم کارنامه فقهی آنان؛  
 ز. روشن شدن و تصحیح اشتباه های فهرست ها و کتاب شناسی ها.  
 میراث فقهی ۲: رویت هلال مشتمل بر هفت بخش است. بدین ترتیب:  
 بخش اول: آیات رویت هلال؛

بخش دوم: رساله های رویت هلال؛

بخش سوم: آرای فقیهان در رویت هلال؛

بخش چهارم: مباحث هیوی رویت هلال؛

بخش پنجم: مذاهب دیگر و رویت هلال؛

بخش ششم: کتاب شناسی رویت هلال؛

بخش هفتم: احادیث رویت هلال؛

و بدین ترتیب، رویت هلال از «کتاب» شروع و به «سنت» ختم می شود.  
 در بخش اول، آیات مربوط به رویت هلال، نقل می گردد و تفسیر آنها از معتبرترین  
 تفسیرهای شیعه و اهل سنت و آیات الأحکام ها، نقل می شود.<sup>۱</sup> این آیات  
 عبارت اند از:

۱. شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس بينات من الهدى والفرقان فمن شهد منكم  
 الشهر فليصمه ومن كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام أخر يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم  
 العسر ولتكملوا العدة ولتكبروا الله على ما هديكم ولعلكم تَشْكُرُونَ (سوره بقره، آیه ۱۸۵)؛

۲. يسألونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس والحج وليس البر بان تأتوا البيوت من ظهورها  
 ولكن البر من اتقى وأتوا البيوت من ابوابها وأتقوا الله لعلكم تفلحون (سوره بقره، آیه ۱۸۹)؛

۳. فالتقوا الصباح وجعل الليل سكناً والشمس والقمر حساباً ذلك تقدير العزيز العليم  
 (سوره انعام، آیه ۹۶)؛

۴. إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض منها  
 أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم وقتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة  
 واعلموا أن الله مع المتقين (سوره توبه، آیه ۳۶)؛

۵. إنما النسيء زيادة في الكفر يضل به الذين كفروا يحلونه عاماً ويحرّمونه عاماً ليواطئوا عدة ما حرم الله فيحلوا ما حرم الله زين لهم سوء أعمالهم والله يهدي القوم الكافرين. (سورة توبه، آیه ۳۷)؛
۶. هو الذي جعل الشمس ضياءً والقمر نوراً وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب ما خلق الله ذلك إلا بالحق يُفصل الآيات لقوم يعلمون (سورة يونس، آیه ۵)؛
۷. وجعلنا الليل والنهار آيتين فمحونا آية الليل وجعلنا آية النهار مبصرةً لتبتغوا فضلاً من ربكم ولتعلموا عدد السنين والحساب وكل شيء فصلناه تفصيلاً (سورة اسراء، آیه ۱۲).
- در بخش دوم، سی رساله مستقل درباره رؤیت هلال، از بیش از ده سده تصحیح و درج شده که نخستین آنها از شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق) و آخرین آنها از آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی است. بدین شرح:
۱. چهارده تفسیر از شیعه و هفده تفسیر از اهل سنت؛
  ۲. جوابات اهل الموصل في العدد والرؤية، شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق)؛
  ۳. الرد على أصحاب العدد، سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ. ق)؛
  ۴. مفتتح الشهور، علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ. ق)؛
  ۵. عدم اعتبار رؤية الهلال قبل الزوال، سراب تنکابنی (م ۱۱۲۴ هـ. ق)؛
  ۶. حکم الحاكم في رؤية الهلال، میر محمد صالح خاتون آبادی (م ۱۱۲۶ هـ. ق) (عربی)
  ۷. حکم حاکم در رؤیت هلال، میر محمد صالح خاتون آبادی (فارسی)؛
  ۸. تحقیق الحال في رؤية الهلال قبل الزوال، محمد حسین نوری (زنده در ۱۱۲۹ هـ. ق)؛
  ۹. اعتبار رؤية الهلال قبل الزوال، محمد جعفر محمد باقر سبزواری (زنده در ۱۱۲۷ هـ. ق)؛
  ۱۰. عدم اعتبار رؤية الهلال قبل الزوال، محمد اسماعیل خاجوی (م ۱۱۷۳ هـ. ق)؛
  ۱۱. تعیین ليلة القدر، محمد اسماعیل خاجوی (م ۱۱۷۳ هـ. ق)؛

- ۱۲ . اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال ، محمدرحیم بن محمدجعفر سبزواری (م ۱۱۸۱ هـ.ق)؛
  - ۱۳ . عدم اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال ، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ هـ.ق)؛
  - ۱۴ . اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال ، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری (م ۱۲۱۱ هـ.ق)؛
  - ۱۵ . اعتبار رؤیت هلال پیش از زوال ، طارمی زنجانی (م ۱۲۶۸ هـ.ق)؛
  - ۱۶ . الرسالة الهلالية ، محمد بن ابی الحسن شهدادی (م ۱۳۰۵ هـ.ق)؛
  - ۱۷ . نهج الاعلان بما یثبت به دخول شهر رمضان ، علی بن عبدالله التبریزی علیاری (م ۱۳۲۷ هـ.ق)؛
  - ۱۸ . اختلاف البلدان في رؤیة الهلال ، محقق داماد (م ۱۲۸۸ هـ.ق)؛
  - ۱۹ . كفاية رؤیة الهلال في البلاد البعيدة ، مدنی كاشانی (م ۱۴۱۲ هـ.ق)؛
  - ۲۰ . رسالة حول مسألة رؤیة الهلال ، علامه تهرانی (م ۱۴۱۶ هـ.ق)؛
  - ۲۱ . رسالة في ثبوت الهلال ، سید محمدجعفر مروج (م ۱۴۱۸ هـ.ق)؛
  - ۲۲ . رسالة رؤیة الهلال قبل الزوال ، آية الله سيد محمد علی ابطحی (م ۱۴۲۲ هـ.ق)؛
  - ۲۳ . ثبوت الهلال ، حجة الاسلام سيد محمد حسینی (معاصر)؛
  - ۲۴ . حول رؤیة الهلال ، آية الله ابوالقاسم خزعلی (معاصر)؛
  - ۲۵ . الهلال ، حجة الاسلام علی زمانی قمشه یی (معاصر)؛
  - ۲۶ . الهلال ، حجة الاسلام کمال زهر (معاصر)؛
  - ۲۷ . اشتراط وحدة الافق ، آية الله جعفر سبحانی (معاصر)؛
  - ۲۸ . اشتراط اتحاد الافق في ثبوت الهلال ، حجة الاسلام محمد سند (معاصر)؛
  - ۲۹ . ثبوت الهلال بحکم الحاكم ، حجة الاسلام محمد سند (معاصر)؛
  - ۳۰ . اعتبار اتفاق الافق في اثبات رؤیة الهلال ، آية الله حسن قدیری (معاصر)؛
  - ۳۱ . الرسالة الهلالية ، آية الله هاشمی شاهرودی (معاصر).
- گزارشی مبسوط از محتوای بخش چهارم نیز در شماره ۴۰ همین مجله منتشر

شد. گزارشی از محتوای بخش‌های پنجم تا هفتم نیز از شاءالله در شماره‌های آینده منتشر خواهد شد. و اینک معرفی گسترده و تفصیلی بخش سوم: این بخش، آرای فقیهان شیعه را از سده چهارم تاکنون دربرمی‌گیرد؛ آراء و انظار و سخنانی که در جاهای گوناگون و کتاب‌های متعدد پراکنده بوده است. از کتاب‌های فقهی دوره‌ای گرفته تا کتاب‌های دیگر. در این جا نظر و رأی صد و ده تن از فقیهان، ذیل نام آنان، به ترتیب تاریخ وفات<sup>۱</sup>، از یک اثر یا آثار متعددشان، درج شده است.

البته نظر بیش از صد و سی نفر از فقها در این بخش گرد آمده، ولی حواشی افتاب‌ی و استدلالی آنان، ذیل متن حاشیه خورده نقل شده و شماره نخورده است. برای نمونه: حواشی بسیاری از فقیهان را بر مناسک شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ هـ. ق) و العروة الوثقی از آیه‌الله سید محمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ هـ. ق) ذیل مناسک شیخ و عروه درج شده؛ یعنی ذیل عروه، حواشی بیست و یک نفر، و ذیل مناسک شیخ، حواشی بیست و دو نفر از فقها قرار گرفته که بسیاری از آنان، در این بخش عنوان مستقل ندارند. بنابراین، با شمارش این حواشی، جمعاً نظر بیش از صد و سی نفر از عالمان شیعه را گرد آورده‌ایم.

متون و مؤلفان آنها و نیز صاحبان حواشی آن متون که در این بخش درج شده، به شرح ذیل است:

۱. علامه حلی (م ۷۲۶ هـ. ق)، شماره ۲۱، صاحب: تبصرة المتعلمین، با حاشیه شیخ الشریعة اصفهانی.
۲. محمدابراهیم کلباسی (م ۱۲۶۱ هـ. ق) شماره ۶۳، صاحب: النخبة، با حاشیه شیخ انصاری، میرزای بزرگ شیرازی و سید محمدباقر درچه‌ای.
۳. صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ هـ. ق) شماره ۶۷، صاحب: الف) مجمع الرسائل، با حاشیه شیخ انصاری، آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی.

- ب) نجات العباد، با حاشیه سید محمد کاظم یزدی .
۴. شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ هـ. ق) شماره ۷۰، صاحب :
- الف. مناسک حج با حاشیه بیست و دو نفر؛ یعنی حضرات آیات : میرزای بزرگ شیرازی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد حسینی فیروزآبادی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت تبریزی، حاج آقا حسین بروجردی، شیخ محمد امامی خوانساری، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، سید احمد خوانساری، شیخ جعفر شوشتری، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، آقا نجفی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالنبی عراقی، شیخ محمد علی معزی، سید محمود شاهرودی، سید محمدرضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی .
- ب. صراط النجاة، با حاشیه هفت نفر؛ یعنی حضرات آیات : میرزای بزرگ شیرازی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید اسماعیل صدر، آقا نجفی اصفهانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی .
۵. شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ هـ. ق) شماره ۷۳، صاحب :  
منهج الرشاد، با حواشی آیه الله سید اسماعیل صدر .
۶. شیخ زین العابدین مازندرانی (م ۱۳۰۹ هـ. ق) شماره ۷۶، صاحب :  
ذخیره المعاد فی تکالیف العباد، با حاشیه فرزندش شیخ محمد حسین .
۷. میرزای بزرگ شیرازی (م ۱۳۱۲ هـ. ق) شماره ۷۸، صاحب :  
مجمع المسائل، با حاشیه شش نفر از فقها؛ یعنی حضرات آیات : سید اسماعیل صدر، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، آقا نجفی اصفهانی و شیخ محمد علی ثقة الاسلام اصفهانی .
۸. آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ هـ. ق) شماره ۸۱، صاحب :  
ذخیره العباد لیوم المعاد، با حاشیه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی .

۹. آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ هـ. ق) شماره ۸۲، صاحب: العروة الوثقی، با حاشیه بیست و یک نفر از فقها؛ یعنی حضرات آیات: شیخ علی جوهری، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، سید محمد حسینی فیروزآبادی، میرزا حسین نائینی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدرضا آل یاسین، محمدحسین کاشف‌الغطاء، سید جمال‌الدین گلپایگانی، حاج آقا حسین بروجردی، میرزا آقا اصطهباناتی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید هادی میلانی، سید ابوالحسن رفیعی، سید احمد خوانساری، امام خمینی، سید ابوالقاسم خوئی و سید محمدرضا گلپایگانی.
۱۰. آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ هـ. ق) شماره ۹۰، صاحب: الف. وسیلة النجاة، با حاشیه آیه‌الله سید علی بهبهانی، آیه‌الله سید محمود شاهرودی، امام خمینی و آیه‌الله سید محمدرضا گلپایگانی.
- ب. صراط النجاة، با حاشیه میرزای اصطهباناتی معروف به میرزا آقا شیرازی.
۱۱. آیه‌الله حاج آقا حسین بروجردی (م ۱۳۸۰ هـ. ق) شماره ۹۴، صاحب: توضیح المسائل، با حاشیه حضرات آیات: سید محسن حکیم، سید هادی میلانی، سید احمد خوانساری، امام خمینی، سید ابوالقاسم خوئی و سید محمدرضا گلپایگانی.
۱۲. آیه‌الله سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰ هـ. ق) شماره ۹۶، صاحب: منهاج الصالحین، با حاشیه آیه‌الله شهید سید محمدباقر صدر.
۱۳. امام خمینی (م ۱۴۰۹ هـ. ق) شماره ۱۰۳، صاحب: مناسک حج، با حواشی حضرات آیات: سید ابوالقاسم خوئی، سید محمدرضا گلپایگانی، شیخ محمدعلی اراکی.<sup>۳</sup>
- بدین سان، آرای بیش از صد و سی نفر از فقهای شیعه، طی یازده قرن، از سده چهارم تا اوایل سده پانزدهم در این بخش گرد آمده است.

در این مجموعه، علاوه بر کتاب‌های استدلالی و ادله هر فقیه، فتوای بدون استدلال آنان نیز از جهات گوناگون سود می‌بخشید. از این رو، علاوه بر آثار استدلالی فقیهان، از آثار اقلیتی آنان نیز استفاده و فتوای آنان نیز نقل شده است.

## (۲)

برخی از عالمان، دارای یک کتاب بوده‌اند و سخنشان از آن کتاب در این جا نقل شده است، بسیاری هم بیش از یک اثر داشته‌اند که از همه آثارشان استفاده کرده‌ایم، برای نمونه: از نه کتاب علامه حلی در این جا مطلب نقل کرده‌ایم و هم چنین است از هفت کتاب شهید ثانی، شش کتاب سید مرتضی، و پنج کتاب شیخ صدوق و شیخ طوسی و محقق حلی و مولی احمد نراقی و امام خمینی، و چهار کتاب شهید اول و ابن فهد و محقق کرکی و آیه‌الله خویی. بنابراین، با شمارش این کتاب‌ها، به طور مستقیم و بدون واسطه، از حدود دویست منبع در این بخش سخن نقل کرده‌ایم، علاوه بر منابع متعدد با واسطه، که آنها را در این محاسبه به شماره نیاوردیم. برای نمونه: سید بن طاووس در اقبال، از برخی از منابع که امروز مفقودند، مانند: لمح البرهان شیخ مفید، و علامه حلی در آثارش، آرای ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل عمانی را - که امروز در دست نیست - نیز نقل کرده و ما با واسطه این آثار، سخنان این بزرگان را نقل کرده‌ایم.

## (۳)

در این بخش، منحصرأ به کتاب‌های فقهی استدلالی بسنده نکرده‌ایم، بلکه کتب بسیاری تفحص و بررسی شده و بحث فقهی رویت هلال هر کتابی را درج کرده‌ایم.<sup>۴</sup> در این بخش جمعاً از ده نوع کتاب، مطالبی مهم و عمده آورده‌ایم:

۱. کتب استدلالی فقهی، مانند بیشتر منابع این بخش؛
۲. کتب ادعیه، مانند: الاقبال از ابن طاووس، و الحدیقة الهلالیة از شیخ بهائی؛



۳. کتب قواعد فقه، مانند: القواعد و الفوائد از شهید اول، و تمهید القواعد از شهید ثانی، و عوائد الایام از نراقی؛
۴. کتب کلامی، مانند: نهج الحق از علامه حلی، و احقاق الحق از قاضی نورالله شوشتری، و کفایة الراشدين في الرد على جماعة من المبتدعين از شیخ محمود عراقی؛
۵. کتب لغت، مانند: مجمع البحرين از طریحی؛
۶. کتب کَشکول وار و مشتمل بر مطالب گوناگون، مانند: الدرر النجفیة از شیخ یوسف بحرانی، و الدر المنثور از شیخ علی عاملی، و الفوائد الطوسية از شیخ حر عاملی؛
۷. کتب اجوبة مسائل مختلف، مانند: أجوبة المسائل الطبرية، أجوبة المسائل الرملية و أجوبة الميافارقيات که هر سه از سید مرتضی علم الهدی است، و أجوبة المسائل الطبرية از محقق حلی، و نظم اللآلی از علامه محمدباقر مجلسی، و رسائل و مسائل از مولی احمد نراقی، و جامع الشتات از میرزای قمی، و سؤال و جواب از سید محمدکاظم یزدی، و الفتاوی از میرزای نائینی، و استفتائات از امام خمینی، و مجمع المسائل از آیه الله گلپایگانی؛
۸. کتب هیوی، مانند: استدراك على الفصل الثالث من تشریح الأفلاك از علامه شعرانی؛
۹. کتب اصولی، مانند: هداية الأبرار از شیخ حسین کرکی، و رسالة الاجتهاد والأخبار از وحید بهبهانی؛
۱۰. \* کتب فقهی افتابیی، مانند: العروة الوثقی از آیه الله سید کاظم یزدی، و وسیلة النجاة از آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، و توضیح المسائل از آیه الله حاج آقا حسین پروجردی، و نجاة العباد از صاحب جواهر، و مناسک حج از شیخ انصاری و امام خمینی.

◊ بدین سان، آرای بیش از صد و سی نفر از فقهای شیعه، طی یازده قرن، از سده چهارم تا اوایل سده پانزدهم در این بخش گرد آمده است.

در این مجموعه، علاوه بر کتاب‌های استدلالی و ادله هر فقیه، فتوای بدون استدلال آنان نیز از جهات گوناگون سود می‌بخشید. از این رو، علاوه بر آثار استدلالی فقیهان، از آثار افتایی آنان نیز استفاده و فتاوی آنان نیز نقل شده است. ◊

#### (۴)

روشن است که فقیهان و مطالب منقول از آنان در این بخش، همه در یک سطح نیستند: برخی از آنان از فقهای طراز اول شیعه‌اند، مانند: محقق حلی، شهید، وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ حسن کاشف الغطاء، شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای شیرازی، سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیه‌الله بروجردی - و برخی از فقهای درجه دو و سه.

بنای ما بر این بوده که مطالب مهم کتب فقهی به گونه‌ای نقل شود که هیچ سخن تازه‌ای از قلم نیفتد. البته در خصوص منابع پیش از سده دهم هجری، آنچه را دست یافتیم، درج کردیم، اما پس از آن - به خصوص با توجه به مشابه و تکراری بودن مطالب - مطالب را برگزیده‌ایم و مطالب برخی کتاب‌ها را به دلایلی، از جمله طولانی بودن حتی پس از تصحیح آنها نقل نکرده‌ایم که از جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد:

۱. هدایة الطالبین فی مسائل فروع الدین، از سید محمد حسن بن

محمد حسین حسینی اصفهانی، معاصر فتح‌علی شاه قاجار؛<sup>۵</sup>

۲. نقود المسائل الجعفریة، از مولی جعفر آبادی، از خواص

حجة الاسلام شفتی؛<sup>۶</sup>

۳. بدائع الأحكام فی فقه الإسلام، از میرزا مهدی بن میرزا مصطفی

حسینی تفرشی؛

۴. تجرید الدوارس و تحدید المدارس، از شیخ محمد علی معزّی دزفولی؛

۵. کفایة المحصلین فی شرح تبصرة أحكام الدین علامه حلی، از مرحوم شیخ محمدعلی مدرس تبریزی<sup>۷</sup>؛
۶. مفتاح الکلام فی شرح صوم شرائع الإسلام، از محمد هاشم بن میر عبدالله موسوی مرندی، از شاگردان آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی؛
۷. حقائق الفقه، از مرحوم آیه الله شیخ محمدرضا محقق تهرانی؛
۸. براهین الحج للفقهاء والحجج، از مرحوم آیه الله حاج آقا رضا مدنی کاشانی.

### (۵)

عمده منابع ما در بخش سوم، خطی یا چاپ سنگی (مانند: ذخیره المعاد، مشارق الشمسوس، برهان الفقه و سبیل الرشاد شرح نجات العباد) بوده اند. منابع چاپی مطلقاً، اعم از چاپ سنگی و غیر آن، در مصادر تحقیق معرفی می شوند و منابع خطی هم به هنگام نقل از آنها در پانوشت ها معرفی شده اند.

روشن است که برخی کتاب های چاپ سنگی هم از جهت نفس گیر بودن تصحیح آنها، دست کمی از نسخه های خطی ندارند. البته ما هر چه در این بخش نقل کرده ایم، دوباره تصحیح کرده ایم؛ زیرا بسیاری از کتاب های چاپی تصحیح شده نیز خطاهای بسیار دارند. (البته آنچه را خطای قطعی و مسلم بوده، بدون هیچ تذکری تصحیح کرده ایم. برای نمونه: در تقریر درس مرحوم آیه الله خوئی در شرح عروه، رساله المسائل الصاغانیه از شیخ مفید، به المسائل الساسانیه تصحیف شده است که امثال این موارد، بدون اشاره تصحیح شده اند.

تصحیح مطالب بخش سوم، کاری نفس گیر، پردردسر و جان کاه بود، به طوری که حقیر چند مرتبه توبه نصوح کردم که دگر باره به چنین کار پر مشقتی دست یازم.

برای نمونه: یکی از کتاب های تصحیح شده در سال های اخیر، التقیح الرائع از فاضل مقداد است، در قسمتی از سخن این کتاب در باب هلال، چندین خطای درشت رخ داده که تصحیح آن جان مرا به لب رساند. قسمت مزبور چنین است:

«ذکر بعض علماء الهيئة أن السنة الهلالية ثلاثمئة وأربعة وخمسون يوماً وسدس اليوم، يعود القمر إلى النقطة التي سار منها بحركته الخاصة هذه المدة، فإذا كان أول السنة الماضية الجمعة، كانت المستقبلية الثلاثاء... ثم في السنة الخامسة من السنة المفروضة أولاً بعد سنة من الماضية.»

تصحیح غلط های این چند خط :

۱. «سُدس اليوم» به «خُمس و سدس يوم»؛<sup>۸</sup>

۲. «يعود» به «العود»؛

۳. «بعد سنة» به «تُعَدُّ سنة».

و چه بسا هنوز غلط های باشد که موفق به تصحیح آنها نشده ایم. البته موارد مشکوک را با علامت تکذیب (کذا) مشخص کرده ایم.

برخی از دیگر کتاب های پر غلط عبارت اند از: رسائل الشریف المرتضی، شرح جمل العلم والعمل قاضی ابن برّاج، مجمع الفائدة والفوائد الطوسیه.

علاوه بر تصحیح مطالب متون منقول، برخی اشتباه های فهرست های نسخه های خطی در اسناد کتاب ها نیز تصحیح شد. برای نمونه: در برخی فهرست ها، جامع الشتات میرزای قمی، سؤال و جواب سید شفتی معرفی شده است. هم چنین برخی جامع الشتات را أجوبة المسائل مولی غلامرضا آرانی کاشانی (م ۱۲۶۵ هـ. ق) پنداشته اند و آن را اثری مستقل از وی دانسته اند که پس از فحص و بررسی از دام این گونه اشتباه ها نیز نجات یافتیم.

می افزایم که: درباره سند و متن احادیث هلال و منابع آنها، به تفصیل و به شکلی گسترده در بخش هفتم بحث خواهیم کرد. لذا در بخش سوم چندان به آن نپرداخته ایم. بنابراین، کسانی که مایل اند از آخرین تحقیقات درباره احادیث هلال و تصحیف های سندی و متنی آنها آگاه شوند، شایسته بلکه بایسته است که به بخش هفتم مراجعه کنند.

## (۶)

چنان که ملاحظه می شود، مباحث رؤیت هلال در آثار فقهی بیشتر در باب صوم، به مناسبت ثبوت اول ماه مبارک رمضان یا اول شوال، و باب شهادت، به مناسبت شهادت زنان به رؤیت هلال، مطرح شده است. ولی نخست بار علامه در منتهی و تذکره و تحریر، به پیروی از کتب فقهی اهل سنت، و سپس شهید اول در دروس، در بحث حج هم آن را مطرح کرده اند.<sup>۹</sup> البته اختلاف شیعه و سنی در ثبوت هلال ذویحجه، تنها در آثار فقهی سه سده اخیر مطرح بوده و رفته رفته به یکی از مسائل مهم تبدیل شد و در مناسک حج نیز جای گزید، از جمله در مناسک حج شیخ انصاری و فقیهان پس از وی. برای این که این جهات نیز برای فقه پژوهان مشخص باشد، در پانویست ها علاوه بر ذکر مجلدات و صفحات منابع، ابواب فقهی را نیز ذکر کرده ایم.

می افزایم که: از همه منابع موجود به طور مستقیم و بی واسطه نقل کرده ایم و مطالب منابع مفقود را از قدیمی ترین منبع موجود نقل کرده ایم. برای نمونه: سخن شیخ مفید در لمح البرهان، علاوه بر اقبال ابن طاووس، در کشف القناع از محقق شوشتری (ص ۱۳۹) نیز آمده است و ما از منبع پیش تر، یعنی: اقبال، نقل کرده ایم.

## (۷)

ممکن است استقصای اقوال فقیهان در این جا به نظر غیر اهل فن، به دلیل تکرار پاره ای از مطالب لازم نباشد؛ اما حقیقتاً فواید فراوانی بر آن مترتب است. از جمله: روشن شدن سیر تاریخی و تطور مسئله، میزان نوآوری و تحقیقات هر فقیه در قیاس با فقیهان پیشین، تأثر هر فقیه از پیشینیان خود و نیز تأثیر در فقیهان بعدی، عدول فقیه از فتوای پیشین<sup>۱۰</sup> و مانند اینها. مثلاً به برکت همین تتبع اقوال پی می بریم که: طرح رؤیت هلال در کتاب حج،

نخست بار در منتهی و تذکره و تحریر صورت گرفته است. و هم چنین معلوم می شود که: حکم حاکم در روایت هلال از چه زمانی و به وسیله چه فقیهی در فقه مطرح شده است. نیز بسیاری از اشتباه ها و تسامح ها در این زمینه روشن می شود که برخی را در پانوشت ها تذکر داده ایم. برای نمونه: مرحوم آیه الله خوئی در مسأله عدم لزوم اتحاد آفاق به سخن علامه حلی در منتهی المطالب تمسک می کند، به گونه ای که گویا علامه جازم به این قول بوده است در حالی که علامه در کتاب های فقهی ای که پس از منتهی المطالب تألیف کرده، مانند: قواعد، ارشاد، تحریر، تذکره و نیز تلخیص المرام، مختار مشهور را اختیار کرده، یا قوی دانسته است.

چنین می نماید که اسناد فتوی و نظری به هر فقیهی باید با توجه به همه آراء و یا دست کم با توجه به نظر پسین وی باشد و به یقین، علامه منتهی را پیش از این کتاب ها تألیف کرده است.<sup>۱۱</sup> افزون بر اینها، می توان گفت که علامه در منتهی هم در فرض بحث، این قول را اختیار نکرده<sup>۱۲</sup>؛ زیرا در پایان بحث فرموده:

«إن علم طلوعه في بعض الاصقاع، وعدم طلوعه في بعضها المتباعد عنه لكروية الارض، لم يتساو حکماهما، أما بدون ذلك فالتساوی هو الحق.»<sup>۱۳</sup>

هم چنین آیه الله خوئی بعید می داند که شیخ مفید در آغاز قائل به عدد بوده است و می گوید:

«ونسب هذا القول إلى الشيخ المفید أيضاً في كتبه، كما صرح بهذه النسبة في الحدائق أيضاً ...»

ولاندری آنه في أي كتاب من كتبه ذكر ما نسب إليه، ونظن والله العالم أنها نسبة كاذبة، لإصراره على إبطال القول المذكور في الرسالة المزبورة كما سمعت ...<sup>۱۴</sup>

در حالی که بسیاری از عالمان پیشین از جمله ابن طاووس، صریحاً از

لمح البرهان شیخ مفید این قول را نقل کرده اند و اساساً مفید، این رساله را در تأیید قول به عدد نوشته است.

این نمونه ها برای این ذکر شد که معلوم شود: تتبع اقوال عالمان در همه آثارشان مانع اشکالاتی از این دست می شود و صد البته این کار مستلزم حوصله و تتبع بسیار و تفحص نفس گیر است. از این رو، تدوین بخش سوم، فرصتی بسیار از ما گرفت، ولی اکنون که همه اقوال یک جا جمع و مرتب و تصحیح شده، چه بسا برخی بیندارند که به همین آسانی این مقصود حاصل و فراچنگ آمده است. آری از دیرباز گفته اند: «چون معما حل شود آسان شود».

### (۸)

چنان که ملاحظه می شود، تعدادی از فقیهان کتابی افتایی دارند به نام ذخیره العباد لیوم المعاد که این نام را به ذخیره المعاد کوتاه می کنند و بسان رساله های توضیح المسائل امروزی است. ذخیره المعاد را نخست میرزای دوم یعنی میرزا محمد تقی شیرازی تدوین کرد<sup>۱۵</sup>، سپس برخی عالمان و مراجع دیگر، مانند: میرزای نائینی، محقق اصفهانی، آقا جمال گلپایگانی، شیخ عبدالنبی عراقی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمد حسینی یزدی و حاج میرزا ابوالحسن تبریزی، فتوی های خود را در متن آن مندرج ساختند و به نام آنان منتشر شد. هم چنین شیخ زین العابدین مازندرانی نیز کتابی فتوایی به نام ذخیره المعاد فی تکالیف العباد دارد که از آن مطالبی در این بخش نقل کرده ایم، ولی به اندازه ذخیره العباد میرزای شیرازی از آن استقبال نشد و مورد توجه گسترده فقیهان و مراجع بعدی قرار نگرفت.

### (۹)

تقریباً تمام مباحث مختلف رؤیت هلال در این بخش به گونه ای مطرح

◇ بنای ما بر این بوده که مطالب اهم کتب فقهی به گونه‌ای نقل شود که هیچ سخن تازه‌ای از قلم نیفتد. البته در خصوص منابع پیش از سده دهم هجری، آنچه را دست یافتیم، درج کردیم، اما پس از آن - به خصوص با توجه به مشابه و تکراری بودن مطالب - مطالب را برگزیده‌ایم و مطالب برخی کتاب‌ها را به دلایلی، از جمله طولانی بودن حتی پس از تصحیح آنها نقل نکرده‌ایم. ◇

شده است؛ هرچند برخی فقط به یک مسئله از مسائل مهم هلال پرداخته اند. برای نمونه: مصابیح علامه بحر العلوم تنها بحث رویت هلال پیش از زوال و پس از زوال را مطرح می‌کند. نیز آیه‌الله شهید سید محمدباقر صدر بیشتر به مسأله عدم لزوم اتفاق آفاق و تأیید نظریه استادش آیه‌الله خوئی در این زمینه می‌پردازد. هم چنین آیه‌الله شهید سید محمد صدر بیشتر به مسأله قول هیوی در رویت هلال و نیز نقد و نظر دو استادش آیه‌الله خوئی و شهید صدر مبنی بر عدم لزوم اتحاد آفاق توجه می‌کند.

بسیاری از منابع این بخش، هرکدام ویژگی و امتیازی دارد. برای نمونه: مرحوم سید محمد مجاهد در مناهل و مصابیح از لحاظ بررسی و تتبع اقوال در رویت هلال بی نظیر است،<sup>۱۶</sup> و از این جهت جای‌گزین خوبی برای مفتاح الکرامه در این مبحث به شمار می‌رود؛ چون مفتاح الکرامه کتاب صوم و رویت هلال را ندارد. نیز نجعة محقق شوشتری از لحاظ بررسی احادیث مسئله و نقد انتظار پیشینیان، بی‌مانند است.

مسأله نماز و روزه در دو قطب و مناطق نزدیک به دو قطب نیز ظاهراً نخست بار در عروه و سپس در منابع بعدی به خصوص شروح و حواشی عروه مطرح شده است که این مطالب را نیز در این بخش گنجانیده‌ایم.

گفتنی است: کسانی که به مسائل هیوی و نجومی آگاهی کامل داشته‌اند،



سخنشان از دقت و پختگی خاصی برخوردار است، مانند: سید ابوتراب خوانساری در شرح نجات العباد و مولی احمد نراقی در مستند. برخی که از این علم بی بهره بوده اند، دچار لغزش های بزرگی شده اند، مانند: شیخ یوسف بحرانی در حدائق.

### (۱۰)

در این بخش، در میان سخنان فقیهان نکات ناب و جالب توجه فراوان دیده می شود که در این جا ده نمونه از آنها را نقل می کنیم:

الف. ابن طاووس در اقبال سه بار تصریح می کند که: بدون رؤیت و بدون اعمال قواعد هیوی و محاسبات نجومی، اوایل ماه های قمری را به لطف الهی تشخیص می دهد که البته یکی از کرامات بسیار اوست:

«فصل: واعلم أن الله تفضل علينا بأسرار ربانية وأنوار محمدية ومبارّ علوية، منها: تعريفنا بأوائل الشهور وإن لم نشاهد هلالها، وليس ذلك بطريق الأحكام النجومية ولا الاستخارات المروية، وإنما ذلك كما قلنا بالأمر الوجدانية الضرورية، وإنما نذكر من دلائل شهر رمضان أو علاماته أو أماراته لمن لم يتفضل عليه بما تفضل به علينا من هباته وكراماته، وإن لم يلزم العمل بها في ظاهر الشريعة النبوية.<sup>۱۷</sup>

وَأَعْرِفْ عَلَى الْيَقِينِ مِنْ يَعْرِفُ أَوَائِلَ الشُّهُورِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ نَاطِقًا إِلَى الْهَلَالِ، وَلَا حَاضِرًا عِنْدَهُ أَحَدٌ مِنَ الْمَشَاهِدِينَ، وَلَا يَعْمَلُ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا تَقَدَّمَ مِنَ الرِّوَايَاتِ، وَلَا يَقُولُ مِنْجَمًّا، وَلَا بَاسْتِخَارَةٍ، وَلَا يَقُولُ أَهْلَ الْعِدَدِ، وَلَا فِي الْمَنَامِ، بَلْ هُوَ مِنْ فَضْلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي وَهَبَ نُورَ الْأَبْجَابِ مِنْ غَيْرِ سَأَلٍ، وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ بِالْبَدِيهِيَّاتِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ لِتِلْكَ الْحَالِ، وَلَكِنْ هُوَ مَكْلَفٌ بِذَلِكَ وَحْدَهُ عَلَى الْيَقِينِ حَيْثُ عَلِمَ بِهِ عَلَى التَّعْيِينِ.<sup>۱۸</sup>

... فيكون الظاهر بمعرفة الهلال على اليقين بدلالة من ربّ

العالمين، قد تشرف بما يعجز عنه شكر الشاكرين، والحمد لله  
الذي جعلنا بذلك عارفين. ۱۹»

هم چنین ایشان روایتی در باب هلال نقل می کنند که در منابع فعلی موجود  
نیست و قدیمی ترین منبع آن، اقبال است. ۲۰

ب. هم چنین یکی از ویژگی های اقبال اطلاعات دست اول در مورد  
هلال، و نقل از منابع متعددی است که امروزه در دست نیستند، مانند:

۱. لمح البرهان از شیخ مفید؛

۲ و ۳. دورساله از کراجکی در تأیید و ردّ عدد؛

۴. کتاب الحلال والحرام از ثقفی؛

۵. شرح النهایه از قطب الدین راوندی؛

۶. کتابی بدون نام که درباره اش می گوید:

«وقد وجدنا تعليقة غريبة على ظهر كتاب عتيق وصل إلينا يوم

الرابع والعشرين من صفر سنة ستين وستمئة بعد تصنيف هذا

الكتاب، ونحن ذاکروها حسب ما رأيناها قریبة من الصواب. ۲۱»

ج. شیخ حر عاملی در فوائد طوسیّه، دوازده توجیه برای احادیث عدد

ذکر می کند؛ یعنی بدون ردّ احادیث عدد، آنها را طوری معنی کرده است که  
منافاتی با احادیث رویت نداشته باشند.

د. سید محمد مجاهد در مصابیح فرعی زیبا نقل کرده که در آثار پیش از

وی ندیده ام:

«الخامس: هل يجوز له الاختفاء من الناس بقصد أن لا يثبت

الهلال عنده أم يحرم ذلك؟ لم أجد مصرحاً بأحد الأمرين،

ولكن احتمال الجواز في غاية القوة. ۲۲»

هم چنین ایشان از جدّش وحید بهبهانی مطالب فراوانی را نقل می کنند که

در مصابیح الظلام وحید چاپ نشده است؛ زیرا مصححان مصابیح الظلام به کتاب الصوم مصابیح دست نیافته اند.

ه. شیخ حسین کرکی در هدایة الأبرار می گوید:

«ولیس کلّ خبر صحّ يجب علينا اعتقاد مدلوله والعمل به، لأنه قد يكون ورد للثقة، وما نحن فيه كذلك؛ فإنّ مسألة تجویز السهو والخطأ على الأنبياء من أشهر مذاهب العامة وكان الخلفاء من بني العباس يبالغون في ترويج القول بها، ليتمّ لهم ما يدعونه من الإمامة الباطلة، فخرجت هذه الأخبار مخرج الثقة مع أنّ بعضها صريح في ذلك.

وأمّا أخبار عدم نقص شهر رمضان فهي موافقة لبعض مذاهب العامة، وروی البخاري في صحيحه ما يوافقها، فهي أيضاً محمولة على الثقة، وقد غفل الصدوق عن ذلك وعمل بها سهواً كما أفتى هو وغيره بمضمون أحاديث كثيرة وردت للثقة إمّا لغفلة أو لعدم الاطلاع على ما يعارضها. «<sup>۲۳</sup>

و. آية الله شيخ محمدتقی آملی در مصباح الهدی با اشاره به برخی از سخنان سست، گوید:

«ولا يخفى ما فيه من الوهن، بل الإنصاف حذف أمثال هذه الكلمات عن كتب الفقه، لأنه يكشف عن قلة اطلاع قائله على العلوم الطبيعية والرياضية، لكن في الحدائق أصرّ على إنكار كروية الأرض كلّ الإنكار واستدعى مساعدة التوفيق لكتابة رسالة شافية مشتملة على الأخبار الصريحة في دفع القول بها. وهذا كما ترى، فاختلاف البلاد الشرقية والغربية في المطالع والمغارب أمر وجداني غير قابل للإنكار. «<sup>۲۴</sup>

ز. مرحوم آية الله خوئی برای تأیید نظر خویش؛ یعنی: عدم لزوم اشتراك

آفاق، به تعبیر برخی دعاها و مسئله لילה القدر تمسک جسته است. پیش از ایشان میرزا محمد بن محمد علی تبریزی و برغانی نیز به آن استدلال کرده اند: «وجعل الشارع للعلم بذلك أمارات. منها: الرؤية، ومنها: الشهادة، ولذلك لا يسقط الشهور في الآفاق الرحوية، مع أن طلوع الشمس والقمر فيها ليس على هذا النحو المعروف. وبالجملة، إذا شهد العدل بالرؤية فقد ثبت الهلالية، فيلاحظ الساعات مع اختلاف المطالع ...»

و يؤيده - بل ويشهد له - ما استفاض من الأخبار - بل تواترت - في شرف ليلة القدر، وأنها ليلة واحدة، وتدب للناس طلبها والعبادة فيها بين ليال ثلاث، وقال الله تعالى: "تَنزَلُ الْمَلَكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ \* سَلَامٌ" وكذلك ملاحظة شهر ذي الحجة، وتعيين أيام فيه وتخصيصها بهلال مكة (زادها الله شرفاً) كما ترى. وجميع ذلك لا يتناسب تفاوت الشهور بالآفاق. ٢٥

بل الظاهر من جملة من الأخبار الواردة في الأيام الشريفة - كالعيدين والغدير ونحوهما، ومنها: قول السجاد في الجمعة والأضحى:

«اللهم إن هذا يوم مبارك ميمون والمسلمون فيه مجتمعون ... إلخ» - أن الواقع في الخارج الاتحاد والمدار عليه، كما يعاضده السيرة، حيث لم يختلف أهل البلاد مطلقاً ولو كانت متباعدة في حساب الشهور من الصدر الأول إلى الآن، وعليه فاختلاف الأهله مجرد فرض لا يكاد أن يتحقق. ٢٦

ح. محقق شوشتري معتقد است که شیخ صدوق از قول به عدد عدول کرده و قائل به رویت شده است:

«ويكفي في ردّ هذا القول كونه مخالفاً للأخبار المتواترة الدالة على كون العبرة بالرؤية؛ ولذا رواه الكافي في الباب النادر، ولم يعمل به إلا الصدوق في فقيهه وفي خصاله، ورجع عنه

في مقنعه وكذا هدايته وأمالیه، قال في أماليه: «ومن صام قبل الرؤية أو أفطر قبل الرؤية فهو مخالف لدين الإمامية». ۲۷

ط. ایشان هم چنین در مفهوم عنوان های ابواب کتب حدیث، متذکر شده اند که: بین «باب نادر» و «باب النوادر» فرق است:

«كما أن قول المفيد في عدديته: «فأما ما تعلق به أصحاب العدد في أن شهر رمضان لا يكون أقل من ثلاثين يوماً فهي أحاديث شاذة قد طعن نقاد الآثار من الشيعة في سندها، وهي مثبتة في كتب الصيام في أبواب النوادر، والنوادر هي التي لا عمل عليها» ليس قوله: «في النوادر» بصواب، ففرق بين الباب النادر وأبواب النوادر، والأول هو الذي لا يعمل بأخباره كما عرفته من الكافي دون الثاني، فقد نقل الفقيه أخبار العدد في باب النوادر وأصر على وجوب العمل بها حتى قال: «إن من لم يعمل بها من الشيعة أتقى كما تتقى العامة». ذكرنا ذلك وإن لم يكن دخیلاً في أصل المطلب حتى لا يعتقد عدم صحة أخبار النوادر في باقى الأبواب. و«النوادر» جمع النادرة وهي الشيء الممتاز، قال: «فلان نادرة زمانه» أي وحيد عصره فلما يوجد مثله. ۲۸

ی. \* محقق شوشتري نیز در نقدی بر سخن شیخ طوسی بر فرق بین «اصول» و «مصنفات» تأکید می ورزد:

«إن قوله: «إن متن الحديث لا يوجد في شيء من الأصول المصنفة» خلاف الاصطلاح، حيث إن الأصول والمصنفات متغایران كما يشهد له أول فهرسته في تأليف أحمد بن الحسين كتاباً قسم منه في أصول الشيعة وقسم في مصنفاتهم، وكان عليه أن يقول: «في الكتب المصنفة» مع أنه قال: «إن ابن رباح ذكر أخباره في كتاب الصيام»، لكن لم نقف على كتاب ابن رباح لنرى هل هو أصل أو تصنيف، لكن ما قلنا مناقشة لفظية. ۲۹

بی نوشت ها:

۱. کسانی که در یک سال در گذشته اند، در صورت تشخیص ماه و روز وفات، آن که زودتر مرحوم شده پیش تر آمده است. برای نمونه: آیه الله سید احمد خوانساری در ربیع الآخر و آیه الله شیخ محمدرضا طبسی در ربیع الاول سال ۱۴۰۵؛ و آیه الله شهید سید محمدباقر صدر و شیخ محمدجواد مغنیه هر دو در سال ۱۴۰۰، ولی مرحوم مغنیه پیش از آیه الله صدر، از دنیا رفتند. از این رو، آیه الله طبسی پیش از آیه الله خوانساری و مرحوم مغنیه پیش از شهید صدر قرار گرفته اند.
۲. یعنی در این بخش، علامه حلی ذیل شماره ۲۱ آمده است.
۳. گفتنی است که این بزرگواران بر مناسک حج امام خمینی حاشیه نزده اند، بلکه برخی از فاضلان، برای سهولت دسترس به فتاوی گوناگون، انظار آنان را ذیل مناسک امام درج کرده اند.
۴. به جز کتب تفسیر که در بخش اول: آیات رویت هلال، و کتب حدیث و شرح حدیث که در بخش هفتم (احادیث رویت هلال)، مطالب آنها را نقل کرده ایم.
۵. رك: ذریعه، ج ۲۵/ ۱۸۰.
۶. رك: همان، ج ۲۴/ ۲۹۵.
۷. مجموع سخن ایشان در این کتاب درباره هلال این است: «وَأَمَّا شَهْرُ رَمَضَانَ فَعَلَامَتُهُ رُؤْيُ الْهَلَالِ» فَيَجِبُ عَلَى مَنْ رَأَاهُ وَإِنْ لَمْ يَثْبُتْ فِي حَقِّ غَيْرِهِ «أَوْ مَضِيِّ ثَلَاثِينَ يَوْمًا مِنْ «هَلَالِ «شُعْبَانَ» وَإِنْ لَمْ يَرِ هَلَالَ رَمَضَانَ «أَوْ قِيَامَ الْبَيْتَةِ الْعَادِلَةَ بِالرُّؤْيَةِ الْهَلَالِ خ ل»، وَلَا يَكْفِي الشَّاهِدَ الْوَاحِدَ وَإِنْ كَانَ عَادِلًا. (كفایة المحصلین، ج ۱/ ۲۷۰ و ۲۷۱).
۸. ابوریحان بیرونی در الآثار الباقية/ ۷۳ گوید: «سنة القمر ثلاثمئة وأربعة وخمسون يوماً وخمس وسدس». این سخن را فخرالدین در ایضاح (ج ۱/ ۲۵۰) با تفصیل نقل کرده و منبع اصلی کلام التفتیح الرائع، سخن فخرالدین است: «لأنَّ السَّنةَ الْهَلَالِيَّةَ ثَلَاثَمِئَةً وَأَرْبَعَةً وَخَمْسُونَ يَوْمًا وَخَمْسَ وَسَدْسَ يَوْمٍ؛ لِعَوْدِ الْقَمَرِ

إلى النقطة التي سار منها بحركته الخاصة في هذه المدة، فإذا كان أول السنة الماضية السبت، كان أول السنة المستقبلية الأربعاء، لأن آخر ثلاثمئة وخمسين يوماً الجمعة، فإذا كملت العدد بأربعة أيام كان كما قلنا، فاعتبر عد خمسة أيام من الماضية ويصام يوم الخامس - أو السادس في السنة الكبيسة - وهي الخامسة من السنة المفروضة أولاً، وكذا في كل خمس سنين».

محقق خوانساری نیز در مشارق الشمسوس گوید: «السنة الهلالية ثلاثمئة وأربعة وخمسون يوماً، وثمان ساعات وثمانية وأربعون دقيقة» معلوم است که ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه مساوی است با ۴ ساعت و  $\frac{1}{6}$  روز، و ۴ ساعت و ۴۸ دقیقه و  $\frac{1}{5}$  روز. ۹. شهید در دروس سایر مسائل حج - از جمله وظایف امیر الحاج - را هم خیلی عالی و جامع بحث کرده است، به طوری که خود وی نیز در پایان کتاب الحج دروس، ج ۱/۵۰۱ گوید: «وقد أتينا منه بحمد الله في هذا المختصر ما لم يجتمع في غيره من المطولات، فله الشكر على جميع الحالات». و این ظاهراً بدین دلیل است که شهید بسیار به حج مشرف شده و ظاهراً سمتی هم داشته است و حتی پیش از دست گیری منجر به شهادتش نیز مشرف بوده است؛ زیرا در اشعارش خطاب به بیدمر حاکم شام گوید:

«في كل عام لنا حج و كان لنا في خدمة النجلى في ذي العام مختصر»

رك: الشهيد الاول: حياته وآثاره (باب دوم، فصل سوم) به قلم این ناچیز.

۱۰. برای نمونه: امام خمینی پس از پیروزی انقلاب فتوی دادند که: در ثبوت اول ماه ذوحجه در مکه، متابعت از اهل سنت مطلقاً لازم و مجزی است، ولو با قطع به خلاف. در حالی که پیش تر در مسأله قائل به تفصیل بودند. (رك: مجلد چهارم این مجموعه.)

۱۱. رك: جمع پریشان، ج ۲، مقاله «إرشاد الأذهان و دیگر آثار فقهی علامه حلی».

۱۲. رك: سخنان آية الله شيخ محمدتقی آملی در مصباح الهدی، که در مجلد چهارم همین مجموعه خواهد آمد.

۱۳. رؤیت هلال، ج ۳/۱۶۲۷.
۱۴. همان، ج ۴.
۱۵. ذریعه، ج ۱۰/۱۶، ش ۷۹؛ همان/۱۹۲۰.
۱۶. سید محمد مجاهد مناهل را بعد از وفات پدر بزرگوارش صاحب ریاض، و مصاییح را در دوران حیات ایشان نوشته است: زیرا از ایشان در مصاییح با دعای «دام ظلّه العالی» و در مناهل با دعای «قدّس سرّه» یاد کرده است.
۱۷. رؤیت هلال، ج ۳/۱۵۴۹-۱۵۵۰.
۱۸. همان/۱۵۵۱ و ۱۵۵۲.
۱۹. همان/۱۵۴۷.
۲۰. همان/۱۵۵۱.
۲۱. همان/۱۵۵۰.
۲۲. همان/۲۱۲۰.
۲۳. همان/۱۷۴۳.
۲۴. همان، ج ۴.
۲۵. همان.
۲۶. همان.
۲۷. همان.
۲۸. همان.
۲۹. همان.

